

مطالعه کیفی شرایط و زمینه‌های شکل‌گیری ازدواج موقت زنان

عبدالحسین کلانتری^۱، سهیلا صادقی فسائی^۲، صدیقه رضانیا^{۳*}

چکیده

هرچند ازدواج موقت یکی از اشکال ازدواج‌های مشروع به لحاظ تطابق با نهادهای حقوقی و دینی حاکم بر جامعه ایران است، در پژوهش حاضر به‌منزله یک سنت اجتماعی و قرائت عرفی شده یک حکم دینی مورد توجه بوده است. در این مطالعه، به درک و تصویری که از عوامل زمینه‌ساز و انگیزه‌های ازدواج موقت زنان وجود دارد پرداخته شده است. این مهم از طریق روش کیفی و با اتخاذ تکنیک مصاحبه عمیق انجام پذیرفته است. یافته‌های پژوهش از خلال مصاحبه با ۲۶ زن ساکن شهر تهران، که برخی دارای تجربه ازدواج موقت و برخی فاقد این تجربه بوده‌اند، به‌دست آمده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از نظر مشارکت‌کنندگان، «فشار اجتماعی»، «تسهیل دینی»، «فشار فرهنگی»، «احساس نیاز اساسی»، «ناکارآمدی تعاملات زناشویی (به‌خصوص برای برخی مردان)»، «فراهم‌نبودن موقعیت ازدواج دائم»، «فرار از تعهدات ازدواج دائم»، «زمینه‌سازی برای ازدواج دائم»، «تنوع‌طلبی-سیالیت»، و «رجحان نسبی ازدواج موقت به رابطه خارج از چارچوب»، شرایط و زمینه‌های تأثیرگذار بر ازدواج موقت زنان‌اند. ذکر این نکته ضروری است که یافته‌ها، ماهیت بسترمند و موقعیتی دارند و به‌هیچ‌وجه از تعمیم آماری کمی برخوردار نیستند.

کلیدواژگان

ازدواج دائم، ازدواج موقت، روش کیفی، زنان.

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳. کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۲۳

مقدمه

بسیاری از اندیشمندان و متفکران بر این باورند که «اصل زوجیت» و بحث ازدواج در نظام خلقت به صورت تکوینی نهاده شده است [۲۵، ص ۷] و از همین روست که گفته می‌شود نهاد خانواده جزء نهادهای قدیمی، ماندگار، و طبیعی است. ازدواج و شیوه همسرگزینی همواره تابع ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است و در کشور ما تابع دین و ارزش‌های دینی است. یکی از انواع ازدواج‌ها، که در گفتمان اسلامی مطرح و اما چالش‌برانگیز است، ازدواج موقت، نکاح متعه، یا منقطع است. درباره ازدواج موقت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. هرچند دسته‌بندی نگرش صاحب‌نظران این عرصه به کاملاً موافق و کاملاً مخالف دقیق نیست، با نگاهی اجمالی می‌توان عنوان کرد که عده‌ای بر این اساس که صیغه یک حکم شرعی است، با آن موافق [۴؛ ۲۰؛ ۲۲؛ تأکید از نویسندگان است] و عده‌ای دیگر با توجه به کژکارکردهای احتمالی چون کاهش نرخ ازدواج دائم، سوء استفاده‌های ابزاری، از دست دادن شانس ازدواج دائم، زاد و ولد در بستر خانواده‌های موقت، و... مخالف آن‌اند [۱۳؛ ۳۰؛ تأکید از نویسندگان است]؛ اما به نظر می‌رسد که برای این دو دیدگاه، که دو سر یک طیف را تشکیل می‌دهند، می‌توان با یک نگرش سیستمی و نه سیاسی به ازدواج موقت نگاه کرد و در مورد آن به یک فهم جامعه‌شناختی، انتقادی، و فرهنگی نائل شد. با توجه به احادیث و روایات، این امر محرز است که در اسلام تأکید اصلی بر ازدواج دائم است و ازدواج موقت به منزله یک راهکار فرعی، اضطراری، و خاص پیش‌بینی می‌شود [۲۴، ص ۱۰-۱۱؛ ۱۲، ص ۷۲]. کما اینکه از امام رضا^(ع) نقل شده که «المتعه لاتحل الا لمن عرفها و هی حرام علی من جهلها» متعه حلال نیست، مگر بر کسی که شناخت دقیق نسبت به آن دارد و حرام است بر کسی که جاهل به [احکام و شرایط] آن است [روح‌المعانی، ج ۲، به نقل از ۲۵، ص ۱۷]. واکنش به متعه و ازدواج دائم در رویکردهای مختلف متفاوت است. برای مثال، رویکردهای رادیکال‌فمنیستی ازدواج دائم را به‌اشتباه حق تملیک و استفاده از رحم زنان می‌دانند [۸، ص ۳۲۴]. یا عده‌ای دیگر از متعه به‌منزله «قانون تمایل»^۱ نام برده‌اند و با اشاره به بعضی از کارکردهای مثبت متعه، به آزادی اختیار عمل برای طرفین اشاره کرده‌اند و به نوعی آن را جایگزینی برای ازدواج دائم می‌دانند [۱۱] و حال آنکه نگاهی به متون اسلامی و برای مثال سخن امام رضا^(ع) نشان می‌دهد که استفاده ابزاری از متعه جایز نیست. بلکه متعه به‌منزله یک راه حل واقع‌گرایانه، قراردادی، و عملی برای برطرف کردن نیازهای عاطفی زنان و مردان در جامعه اسلامی است. بنابراین، بدون یک نگاه سیستمی به ازدواج موقت، بررسی فلسفه وجودی و توجه به کارکردهای آن‌ها، احتمال خطا در تحلیل و شکل‌گیری رویکردهای دوگانه، که یکی ازدواج موقت را طرد می‌کند و دیگری به صورت تام و تمام مورد پذیرش قرار می‌دهد، بسیار خواهد بود. در این نوشتار، تلاش می‌شود به ازدواج موقت به‌منزله یک سنت اجتماعی و قرائت عرفی‌شده یک حکم دینی توجه شود تا فهم

بسترها و زمینه‌های جامعه‌شناختی موضوع بسیار جدلی «ازدواج موقت» امکان‌پذیر شود. فهم مذکور نه‌تنها می‌تواند به تبیین هرچه بیشتر این پدیده و کاهش جوانب آسیب‌زای آن منجر شود، بلکه توجه به ابعاد این مسئله اجتماعی می‌تواند در خدمت اهداف کنشگران اجتماعی آن قرار گیرد. به علاوه، امروزه صحبت از ازدواج موقت، بدون در نظر گرفتن دیدگاهی که کنشگران اجتماعی از آن دارند، موجب خطاهای تحلیلی و نظری می‌شود. بنابراین، شناسایی عوامل مؤثر بر ازدواج موقت و زمینه‌های آن می‌تواند سیاستگذاران را در جهت واکاوی مسئله و برنامه‌ریزی برای آن یاری کند. به‌طور مشخص، در این مطالعه بر آنیم به این سؤال پاسخ دهیم که «مشارکت‌کنندگان در پژوهش، از چه عواملی به‌منزله زمینه، انگیزه، و شرایط ازدواج موقت برای زنان یاد می‌کنند؟»

پیشینه تحقیقاتی

در ایران، به‌خصوص هم‌زمان با اظهارات برخی مسئولان سیاسی- مذهبی (هاشمی رفسنجانی ۱۳۶۹)، دیدگاه‌های جدلی درباره ازدواج موقت در سطح جامعه قوت یافت؛ اظهاراتی که با ارزش‌های اخلاقی و انتظارات فرهنگی درگیر شده و بحث‌های زیادی در رسانه در داخل و خارج کشور به راه انداخت [۲۸، ص ۲۰۳]. بدین ترتیب، زمینه انجام‌دادن پژوهش‌هایی در همین راستا فراهم آمد. در ادامه، به پژوهش‌های مرتبط با شرایط شکل‌گیری ازدواج موقت می‌پردازیم. حائری (۱۹۹۷) در تحقیقی کیفی، که نتایج آن از خلال مصاحبه با ۴۰ زن و ۹ مرد در شهرهای تهران، کاشان، قم، و مشهد در سال‌های ۱۹۸۲-۱۹۸۷ به‌دست آمده، انگیزه اصلی زنان از ازدواج موقت را مالی و انگیزه اصلی مردان را شهوت دانسته است. وی این‌طور عنوان می‌کند که اغلب نمونه‌ها در سنین کم به ازدواج مردانی با اختلاف سنی فاحش، معتاد، و دچار بیماری خاص درآمد بودند. زنان از خانواده‌هایی فقیر از نظر مالی، فرهنگی و متعصب بوده‌اند که پس از ازدواج و بچه‌دار شدن، همسرشان آن‌ها را طلاق داده بود و سرخورده شده بودند. آنان پس از یک یا چند بار ازدواج دائم، به ازدواج موقت روی آورده بودند. بسیاری از این زنان، به دلیل وعده‌های مردان (بعضاً متشرع و متأهل)، مبنی بر عقد دائم، فریب ازدواج موقت را خورده و بعضی دیگر فکر می‌کردند بر اثر طولانی‌شدن سال‌های ازدواج موقت، شبیه ازدواج دائم، حمایت مرد را خواهند داشت [۱۱]. آذرکمان (۱۳۸۶) در «بررسی آسیب‌های اجتماعی ازدواج موقت در ایران» با روشی کیفی، با ۶۰ نفر از زنان (زنان متعه و زنان دائمی که همسرانشان ازدواج موقت کرده بودند)، در شهر اهواز، مصاحبه عمیق ترتیب داده و دریافت که هر دو گروه زنان پیشینه‌ای از آسیب دارند؛ در رابطه با زنان متعه آسیب‌هایی مانند فقر خانواده، خشونت، و در مورد زنان دائم می‌توان به ازدواج اجباری و فاصله سنی زیاد اشاره کرد [۱]. در تحقیقی دیگر، که با عنوان «بررسی زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج موقت برای زنان» انجام گرفته (پربشی ۱۳۸۷)، مصاحبه‌های عمیق با ۲۸ نفر از زنانی که سابقه ازدواج موقت داشته‌اند، حاکی از آن است که دلایل ازدواج موقت این زنان به‌طور کلی ترکیبی از

نیازهای اقتصادی، عاطفی، و جنسی و در نهایت نیاز به حمایت اجتماعی است. این زنان معمولاً مطلقه بوده و پیشینه‌ای از آسیب در زندگی داشته‌اند. از دید اغلب آنان، دلایل ازدواج موقت مردان مجرد نیاز طبیعی و دلیل ازدواج موقت مردان متأهل هوسرانی است [۷].

ملاحظات نظری

«معمولاً تحقیق کیفی نقطه‌ی عزیمت خود را تئوری خاصی قرار نمی‌دهد و خود را درگیر کاربرد تئوری رسمی^۱ نمی‌کند، زیرا در بسیاری از مواقع یا تئوری رسمی وجود ندارد یا تئوری‌های موجود قانع‌کننده نیست. از این رو، در تحقیقات کیفی آنچه اهمیت می‌یابد دیدگاه سوژه و درک و تصور وی از دنیای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند، بنابراین محقق ناگزیر است به صورت استقرایی و با جمع‌آوری داده‌ها کار خود را آغاز کند، تا امکان دستیابی به تئوری یا فرضیات جدید را پیدا کند» [۱۵]. البته ذکر این نکته ضروری است که در کار کیفی، محقق نمی‌تواند نقش تئوری‌ها و مفاهیم حساس نظری را کاملاً در شکل‌گیری سؤالات و تفاسیر نادیده بگیرد، اما استفاده محقق از تئوری‌ها بیشتر از آنکه مبنایی و از ابتدای کار باشد، استنادی و تطبیقی است. در ادامه، به بعضی از مفاهیم مرتبط پرداخته می‌شود.

کنش: ازدواج موقت نوعی کنش است و برخی نظریه‌پردازان کنش معتقدند که کنش‌های اجتماعی تحت تأثیر چهار خرده‌نظام دینی، حقوقی، اقتصادی، و سیاسی عمل می‌کنند. این نهادها باهم عمل می‌کنند، بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند، و زنجیره‌ای از علت‌ها را در خصوص علیت اجتماعی شکل می‌دهند. به اعتقاد آنان، جامعه نظامی است که می‌توان آن را به یک الگوی اقتصادی تشبیه کرد. در چنین الگویی، افراد مستقل عمل می‌کنند و در عین حال در یک سلسله نتایج قابل پیش‌بینی و جهت‌دار، که از سوی یک دست نامرئی که هیچ‌کس آن را کنترل نمی‌کند، مشارکت دارند. کنش اجتماعی امری داوطلبانه است، اما در قالبی اجتماعی انجام می‌گیرد و شرایط مختلفی کنش فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرد نقش اجتماعی خود را ایفا می‌کند و هنجارها تعیین‌کننده نقش و رفتار او هستند [۹، ص ۲۳۴-۲۳۶].

با عنایت به مفهوم کنش می‌توان گفت که مبادرت به کنش ازدواج موقت توسط زن و مرد اگرچه تحت تأثیر خرده‌نظام‌های مذکور شکل می‌گیرد و ارادی است، وجه ارادی آن خارج از چارچوب نظام اجتماعی قرار نمی‌گیرد؛ یعنی زن و مردی که دست به ازدواج موقت می‌زنند، از نهادهای دینی، حقوقی، و اقتصادی متأثر خواهند بود. برای مثال، بحث مهریه و لزوم تعیین آن در ضمن این عقد، شاهدی بر تأثیر نهاد اقتصادی در این ازدواج است. بنابراین، کنش ازدواج موقت مطابق با آنچه در نظریه کنش مطرح می‌شود، کنشی داوطلبانه، لیکن در قالبی اجتماعی است.

۱. منظور از تئوری رسمی، تئوری‌هایی هستند که در حوزه بررسی شده جا افتاده باشند و مورد استفاده مکرر قرار گیرند و رسمیت یافته باشند.

صمیمیت: گیدنز^۱ از تغییراتی که در حوزه الگوی روابط جنسی در طی دهه‌های پایانی قرن بیستم شکل گرفته سخن می‌گوید. طبق این صورت‌بندی، در قرن بیستم الگوی جدیدی از رابطه میان زن و مرد به نام «عشق سیال»^۲ به وجود آمد که در آن روابط صمیمانه، کوتاه‌مدت، و اختیاری بوده است [۲۶، ص ۷۱-۷۴]. ویژگی کوتاه‌مدت و اختیاری بودن را در ازدواج موقت نیز می‌توان یافت. آنچه گیدنز با عنوان دوره سوم در الگوی رابطه میان زن و مرد ذکر می‌کند، از سوی زیگمونت باومن در اثری با همین نام عشق سیال (۲۰۰۳)، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. باومن معتقد است که در موقعیت سیال زندگی مدرن، شایع‌ترین، حادث‌ترین، حساس‌ترین، و مسئله‌سازترین نمونه ناهمخوانی و چندگانگی روابط همان «روابط جیب بلوز»^۳ است که می‌توان در هنگام نیاز آن را شکوفا و بعد از رفع نیاز کاملاً در جیب خود پنهان کرد [۵، ص ۱۳]. ازدواج موقت، در صورت تعدد روابط، می‌تواند مصداقی از این روابط باشد؛ در ازدواج متعه، زن یا مرد می‌توانند پس از پایان مدت عقد این رابطه را کاملاً پنهان کنند.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به هدف تحقیق، که آگاهی از درک و تصور کنشگران اجتماعی^۴ از ازدواج موقت است، و با توجه به حساس بودن موضوع و نبود چارچوب نظری مناسب برای آن، اتخاذ رویکردی اکتشافی و تفهیمی برای دستیابی به ابعاد مختلف این پدیده ضروری به نظر می‌رسد. به این منظور، روش تحلیل کیفی انتخاب شد. با توجه به ماهیت موضوع، که حساسیت‌برانگیز است، بهترین راه جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه‌های پدیدارشناسانه است که مستلزم همدلی محقق با سوژه‌های تحقیق است. در این پژوهش، سعی شد از روش درون‌نگری همدلانه برای فهم معانی ذهنی کنشگران از مسئله ازدواج موقت استفاده شود. از این رو، مصاحبه‌های انجام‌شده در این کار از نوع مصاحبه عمیق است که سؤالات آن به صورت نیمه‌ساخت‌یافته طراحی شدند. این گونه مصاحبه‌ها با سؤالاتی کلی آغاز می‌شود و با احتیاط به سمت سؤالات خاص و مرتبط به موضوع تحقیق پیش می‌رود. جامعه یا میدان مطالعه‌شده در این پژوهش زنان ۲۱ تا ۶۰ سال ساکن شهر تهران‌اند. نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب شدند که هم افراد دارای تجربه نکاح متعه و هم افراد فاقد این تجربه در نمونه باشند. انتخاب نمونه با توجه به حداکثر تنوع براساس متغیرهایی چون سن، سطح تحصیلات، طبقه اقتصادی، وضعیت تأهل، تجربه ازدواج موقت، و وضعیت اشتغال، به صورت هدفمند-نظری صورت گرفته است. دسترسی به آن دسته از زنانی که متعه را تجربه کرده‌اند، از طریق نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی حاصل شد. بدین صورت که اولین افراد در فضاهای عمومی چون مکان‌های

1. giddens
2. confluent love
3. top pocket relationships

۴. منظور، کنشگر اجتماعی به معنای عام است، نه صرفاً کسانی که به ازدواج موقت مبادرت می‌ورزند.

زیارتی، پارک‌ها، مترو، و آرایشگاه‌ها در مناطق مختلف شهر با شکل دادن به گفت‌وگوهای اتفاقی یا از طریق معرفی از طریق دیگران شناسایی و انتخاب شدند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش از طریق ۲۶ مصاحبه عمیق با سؤالات نیمه‌ساخت‌یافته گردآوری شده است. در این نوع مصاحبه، درباره محتوای سؤالات و نه فرم سؤالات، از قبل تصمیم‌گیری می‌شود [۲۷، ص ۲۷۲]. فرایند نمونه‌گیری در پژوهش، با حصول اشباع نظری پایان یافته؛ یعنی هنگامی که انجام دادن مصاحبه‌های جدید به تولید داده جدیدی منجر نمی‌شود [۱۶، ص ۱۴۰]. ذکر این نکته ضروری است که با توجه به غیرتصادفی بودن نمونه، امکان تعمیم وجود ندارد. در تحقیقات کیفی، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها به صورت هم‌زمان صورت می‌گیرد. بازخوانی و مرور مصاحبه‌ها، زمینه گمانه‌زنی نظری را فراهم می‌کند و کدگذاری نظری این امکان را فراهم می‌کند تا داده‌ها تجزیه، مفهوم‌سازی، و به شکلی تازه در کنار یکدیگر قرار داده شوند.

جدول ۱. مشخصات پاسخگویان

مجموع	فراوانی	متغیرهای زمینه‌ای	
۲۶	۱	۳۰-۲۱	سن
	۹	۳۱-۴۰	
	۱۳	۴۱-۵۰	
	۳	۵۱-۶۰	
۲۶	۱۰	زیر دیپلم و دیپلم	میزان تحصیلات
	۹	فوق دیپلم و کارشناسی	
	۷	کارشناسی ارشد و بالاتر	
۲۶	۸	پایین	طبقه اقتصادی
	۱۶	متوسط	
	۲	بالا	
۲۶	۷	غیرشاغل	وضعیت اشتغال
	۱۹	شاغل	
۲۶	۷	مجرد	وضعیت تأهل
	۷	متأهل (ازدواج دائم)	
	۷	متأهل (ازدواج موقت)	
	۵	بدون همسر بر اثر طلاق یا فوت	
۲۶	۹	دارای تجربه ^۲	تجربه ازدواج موقت ^۱ موقت ^۱
	۱۷	فاقد تجربه	

۱. یادآوری این مسئله ضروری است که منظور از ازدواج موقت شکل آزمایشی آن، که قبل از نکاح دائم در برخی خانواده‌ها و به منظور آشنایی زوجین انجام می‌شود، نبوده است.
۲. در خصوص مشارکت‌کنندگان دارای تجربه ازدواج موقت باید گفت، اغلب این زنان در طبقه ۳۱-۴۰ سال و دارای تحصیلات زیر دیپلم و دیپلم بوده‌اند. به علاوه، اغلب آنان شاغل و در طبقه اقتصادی پایین می‌گنجند.

یافته‌های توصیفی

در جدول ۱ یافته‌های توصیفی به گونه‌ای خلاصه ارائه شده است.

یافته‌های تحلیلی

به منظور تحلیل یافته‌ها، کدگذاری باز انجام شده است. کدگذاری فرایندی تحلیلی است که با آن مفاهیم شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند [۲، ص ۱۲۳]. پس از کدگذاری باز و محوری، نتایج حاصل از مصاحبه‌های کیفی عمیق نشان می‌دهد که زمینه‌ها، انگیزه‌ها، و شرایط نکاح موقت در اشکال متفاوتی در میان افراد تفسیر می‌شود و درک و تفسیر سوزها از این اشکال ما را در ارائه دسته‌بندی که بتواند جوانب مختلف موضوع را دربر بگیرد، رهنمون می‌کند. از این رو، در ادامه، داده‌ها براساس برخی تم‌های اکتشافی درخصوص زمینه‌ها و بسترهای ازدواج موقت ارائه می‌شود.

فشار اجتماعی: فشار اجتماعی زمینه مؤثری در باب ازدواج موقت پنداشته شده است. بر این اساس، مصاحبه‌شوندگان معتقدند ازدواج موقت می‌تواند ناشی از فشاری باشد که افراد در تعاملات خود آن را تجربه می‌کنند. به علاوه، عوامل دیگری همچون تمایل به کسب تأیید اجتماعی، مقتضیات نهاد حقوقی و خانوادگی نیز می‌تواند به فشار اجتماعی و درنهایت کنش ازدواج موقت، یا تفکر در مورد مبادرت به آن منجر شود.

وقتی زنان از سویی تعاملات خود با اطرافیان (خانواده، دوستان، همکاران، و...) را نامن بیانند و انتظار آرامش و امنیتی که از این تعاملات دارند به‌خصوص در ارتباط با جنس مخالف- تأمین نشود و از سویی دیگر، به عللی همچون بیوه‌بودن، مطلقه‌بودن و تمایل به فرار از انزوا، به این تعاملات محتاج باشند، زمینه‌ای برای ازدواج موقتشان فراهم می‌شود.

مطابق با درک مصاحبه‌شوندگان، ازدواج موقت به منظور تمایل به کسب تأیید اجتماعی هم می‌تواند صورت پذیرد. به عبارتی، مردم در زندگی روزمره به دنبال «مطلوب واقع شدن» هستند و از آن در روابط اجتماعی خود لذت می‌برند [۳، ص ۸۶]. هنگامی که در نتیجه عوامل مختلف مانند نامشروع بودن رابطه بین دو جنس و فقدان منزلت متأهلی، کنشگران اجتماعی از این پاداش (مطلوب واقع شدن) در مبادلات انسانی روزمره خود محروم شوند، از راه‌هایی همچون نکاح منقطع، سعی در بازپس‌گیری آن خواهند داشت. از دید برخی پاسخگویان، متأهل بودن حامل منزلتی است که تعاملات اجتماعی را برای ایشان تسهیل می‌کند. توضیح اینکه، به سبب تعارض خرده‌فرهنگ تجرد و مطلقه‌بودن با فرهنگ غالب در جامعه احساس ناامنی در تعاملات به‌وجود می‌آید. مورد شماره ۱۵ (مطلقه) یکی از دلایل کنش ازدواج موقت خود را این‌گونه می‌گوید:

چون آدم مطلقه پیشنهادهای خیلی مزخرفی بهش می‌شه. همه، کسانی که من فکرش رو نمی‌کردم [توی فامیل و آشناها]، به من می‌گفتن آجی و توی لفافه یه پیشنهاد دیگه‌ای [رابطه نامشروع]، به من می‌کردن (فشار اجتماعی).

اما از سوی دیگر، از آنجا که ازدواج موقت با مقبولیت اجتماعی روبه‌رو نمی‌شود، راهکاری که سوژه‌های دارای تجربه ازدواج موقت برمی‌گزینند این است که موقت‌بودن رابطه خود را پنهان می‌کنند. از این طریق، آنان هم به منزلت متأهلی دست می‌یابند و هم ازدواج موقت خود را نزد دیگران دائم جلوه می‌دهند.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، مطابق با مفهوم کنش نیز می‌توان گفت که از جمله نهادهایی که کنش ازدواج موقت در قالب آن صورت می‌پذیرد، نهاد حقوقی است. ازدواج موقت در نهاد حقوقی جامعه ما کاملاً پذیرفته شده و قوانینی بر آن مترتب شده است. درک مصاحبه‌شوندگان، نهاد حقوقی نیز می‌تواند در شکل‌گیری فشار اجتماعی‌ای که به کنش ازدواج موقت منجر می‌شود، مؤثر باشد. این نهاد، از طریق قانونگذاری، کنش کنشگران را مطابق با هنجارهای اجتماعی تنظیم می‌کند و به نوعی کنترل اجتماعی دست می‌زند. محدودیت‌های قانونی که بر چندزنی دائم مترتب شده است، کنترل اجتماعی - حقوقی‌ای است که سوژه‌ها را در برخی موارد، به‌رغم تمایل شدید به ازدواج دائم، ناچار به ازدواج موقت می‌کند. مورد شماره ۱۷، ۳۶ ساله و دارای تجربه کنش ازدواج موقت درباره دلیل عدم مبادرتش به ازدواج دائم می‌گوید:

از نظر قانونی نمی‌شد دائمی‌ش کنیم. چون خانمش اجازه نمی‌داد (مانع قانونی برای ازدواج دائم).

علاوه بر چندزنی، قوانین دیگری نظیر محروم‌شدن زن بیوه از حقوق مالی همسر، با ازدواج دائم وی، نیز شرایطی در راستای مبادرت به نکاح متعه فراهم می‌آورد.^۱ مصاحبه‌شونده شماره ۲۱، ۴۶ ساله می‌گوید:

این خانم [از آشناها] ازدواج موقت کرد و اصرار هم داشت موقت بمونه. به خاطر اینکه بابت فوت همسرش مستمری می‌گرفت و می‌دونست که اگر ازدواج دائم کنه، اون حقوق رو ازش می‌گیرن. این بود که مایل بود موقت باشه (حفظ حقوق مالی ناشی از ازدواج قبلی).

وجه دیگری که می‌تواند فشار اجتماعی قلمداد شود، فشار ناشی از خانواده است؛ بنا بر روایت پاسخگویان، فشاری که از سوی خانواده جهت‌یاب بر افراد وارد می‌شود، بعضاً در پذیرش

۱. هرچند در ۱۳۹۱/۱۲/۱ در بخشی از ماده ۴۸ قانون حمایت خانواده مصوب شد: «زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می‌گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست» [۱۷].

متعه مؤثر است. افراد انتظار دارند آرامش مطلوب مورد نظر خود را در کوچک‌ترین، اما مهم‌ترین، نهاد اجتماعی- خانواده- بیابند. به عبارتی، خانواده جهت‌یاب برایشان پایگاهی حمایتی و عاطفی، با تعاملاتی به دور از برچسب‌ها، سوءظن، متهم‌انگاری، و شایعات باشد. هنگامی که این امر در خانواده جهت‌یاب میسر نشود، راهی به نام ازدواج موقت پیش رویشان قرار می‌گیرد. علاوه بر این موارد، سوژه‌های پژوهش بارها نظام فرهنگی‌ای را که در آن به سر می‌برند مورد انتقاد قرار داده و خود را نیازمند به حمایت ذکور خانواده جهت‌یاب دانسته‌اند؛ امری که می‌تواند فشار خانوادگی را تخفیف بخشد.

تسهیل دینی: باورهای مذهبی که در جریان جامعه‌پذیری توسط افراد پذیرفته می‌شود و به مرور زمان درونی می‌شود، بر نحوه نگرش و کنش افراد تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، بعضی پاسخگویان با تمسک به باورهای دینی ضرورت، مشروعیت، و مقبولیت ازدواج موقت را تفسیر می‌کنند. مورد شماره ۲۱، ۴۶ ساله، که خود ازدواج موقت را تجربه نکرده است، می‌گوید:

ازدواج موقت اشتباه نیست یا بد نیست. قرآن می‌گه- عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم- شاید من خیلی چیزها رو نپسندم، ولی اون لازمه زندگی باشه، من چه کارهام که توی نظر خدا بخوام اظهار نظر کنم که خوبه یا بده. من فقط می‌گم برای خودم نمی‌پسندم... من می‌گم ازدواج موقت یه چیزی است که خدا قرار داده و قطعاً صلاح انسان رو بهتر از انسان می‌دونه (اعتقاد به ازدواج موقت به سبب الهی بودن قانون).

مورد شماره ۶، شاغل و متأهل (ازدواج دائم)، می‌گوید:

نظرم در مورد صیغه [او اینکه می‌گم باید باشه]، عقلی نیست، تسلیمیه. تسلیم در برابر امر خدا (اعتقاد به ازدواج موقت به سبب الهی بودن قانون).

مطابق با مفهوم کنش نیز می‌توان گفت که نه تنها از جمله نهادهای دخیل در کنش ازدواج موقت نهاد دین است، بلکه مشروعیت آن در نهاد حقوقی نیز از نهاد دین متأثر است، زیرا در قانون مدنی ایران فقه شیعی عنصری تأثیرگذار تلقی می‌شود.

فشار فرهنگی: بنا بر روایت پاسخگویان، منش و کردار زنان نیز می‌تواند از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری ازدواج‌های موقت تلقی شود. در این معنا، پاسخگویان زنان را مقصر انگاشته و بر این باورند که عوامل فرهنگی همچون بدپوششی که از سوی خرده‌نظام فرهنگی زنانه ایجاد می‌شود، مردان را تحت موقعیتی غیر قابل کنترل قرار می‌دهد. بر اثر این فشار، مردان در بدترین وجه به سمت برقراری روابط نامشروع (روابط خارج از ازدواج) و در بهترین وجه به سمت روابط مشروع (ازدواج موقت) سوق می‌یابند. مورد شماره ۲۳، ۴۵ ساله، با تحصیلات کارشناسی و فاقد تجربه ازدواج موقت می‌گوید:

خود زن‌هامون هم مقصر هستن. با چه شکل و شمایل می‌آن بیرون که باعث می‌شن مردها به سمتشون کشیده شن! فکر کن زنه توی خونه زحمت می‌کشه. از صبح

تا شب به بچه‌هاش می‌رسد. در صورتی که اون یکی زن‌ها زن زندگی نیستن. فقط لعاب دارن (پوشش نامناسب زنان در جامعه، زمینه‌ساز).

احساس نیاز اساسی: به تصور مشارکت‌کنندگان، احساس نیاز اساسی می‌تواند عاملی برای ازدواج موقت باشد. نیاز اقتصادی، نیاز فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به توجه و احترام، و نیاز به عشق و تعلق، که مازلو آن‌ها را از جمله نیازهای اساسی دانسته است، در گرایش فکری به ازدواج موقت یا اقدام به آن مؤثر پنداشته شده‌اند.

نیاز اقتصادی، که در قالب نیاز به حمایت مالی و نیاز به مسکن مطرح شده، عمدتاً از سوی مصاحبه‌شوندگانی که خود تجربه ازدواج موقت را نداشته‌اند بیان شده است. به عبارتی، زنانی که متعه را تجربه کرده‌اند، از این عامل کمتر به‌منزله عامل مؤثر در اقدام خودشان به متعه یاد می‌کنند. آنان حتی مهریه خود را غیرمالی- نظیر شاخه گل و سفر به اماکن مقدس- تعیین می‌کنند. اشاره به نیاز جنسی از دید سوژه‌ها مختص مردان نبوده و انگیزه جنسی زنان نیز در کنار سایر عوامل از سوی سوژه‌ها تأثیرگذار تلقی شده است. البته با عنایت به مفهوم کنش می‌توان گفت ارضای نیاز جنسی در چارچوب ازدواج موقت، که اسلام آن را تجویز می‌کند (البته در صورت حصول شرایطی)، آزادی سامان یافته است [۴، ص ۱۸۸]. اگر نیازهای فیزیولوژیک نسبتاً خوب ارضا شوند، آن‌گاه مجموعه جدیدی از نیازها پدید می‌آیند مانند حمایت و داشتن حامی مقتدر که مازلو آن را جزء نیازهای ایمنی طبقه‌بندی می‌کند [۲۱، ص ۷۴]. به تصور مصاحبه‌شوندگان، خلأهای حمایتی موجود در نظام فرهنگی برای زنان بدون همسر قابلیت آن را دارد که زنان را به این کنش سوق دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۱۰، متأهل و ۳۴ ساله، درباره نیاز پس از طلاق یکی از نزدیکان خود به «سایه سر»، این‌گونه توضیح می‌دهد:

جدا شده بود، سن و سالش هم بالا بود، نیاز به یه ساپورت^۱ داشت. دلش می‌خواست که یکی باشه که عین همه زن‌های ایرانی بالا سرش باشه، با اینکه خودش کار می‌کرد (نیاز زن به حمایت اجتماعی مذکر در فرهنگ ایرانی).

مصاحبه‌شونده شماره ۷، ۳۳ ساله، از جمله دلایل مبادرت به کنش ازدواج موقت خود را این‌گونه بیان می‌کند:

می‌خواستم آقابالاسر داشته باشم. سایه سر داشته باشم (نیاز زن به حمایت اجتماعی از سوی مرد).

اهمیت استقلالی که مازلو آن را ذیل نیاز به توجه و احترام قرار می‌دهد [۲۱، ص ۸۲]، از سوی زنانی که ازدواج موقت را تجربه کرده‌اند درک شده است؛ زنانی که سابقاً طعم استقلال را در زندگی

متأهلی چشیده و اکنون این شرایط را به واسطه طلاق یا فوت همسر از دست داده و قابلیت تطابق با شرایط وابستگی به خانواده جهت‌یاب خود را ندارند. نیاز به عشق و تعلق هم از سوی زنانی که ازدواج موقت را تجربه نکرده‌اند و هم از سوی اغلب کسانی که آن را تجربه کرده‌اند، مهم ارزیابی می‌شود. این نیاز، اغلب هنگامی مطرح می‌شود که هر دو نیاز فیزیولوژیک و ایمنی نسبتاً خوب ارضا شوند. در این برهه است که شخص به شدت غیاب معشوق، همسر، و... را احساس خواهد کرد [۲۱، ص ۷۹-۸۰] نیاز مذکور در درجه اول از سوی مطلقه‌ها و زنان بیوه و در وهله بعد از سوی مجردان ذکر شده است و مشارکت‌کنندگان متأهل کمتر این نیاز را مؤثر دانسته‌اند. پرلن و پیپلو^۱ نیز می‌گویند اشخاصی که ازدواج کرده‌اند در مقایسه با کسانی که ازدواج نکرده‌اند، یا از همسر خود جدا شده‌اند، کمتر اظهار می‌دارند که تنها هستند. به عبارت دیگر، این احساس به نداشتن همسر وابسته نیست، بلکه به داشتن و از دست دادن آن (بر اثر جدایی، طلاق، یا فوت) وابسته است. این نیاز به خصوص پس از گسست در روابط قبلی بروز می‌کند؛ زمانی که این خلأ را فرزندان هم نمی‌توانند برای فرد پر کنند، زیرا تنهایی حالتی است که می‌توان در میان انبوه جمعیت احساس تنهایی کرد [Perlmán & Peplau, 1981، به نقل از ۶، ص ۲۱۲-۲۱۳].

ناکارآمدی تعاملات زناشویی (به خصوص برای برخی مردان): از دید مشارکت‌کنندگان، ناکارآمدی تعاملات زناشویی از جمله شرایطی است که در ازدواج موقت مؤثر واقع می‌شود. عامل مذکور در ابعادی همچون نقش جنسیتی، جنسی، عاطفی، و اخلاقی صورت می‌پذیرد. در نگاه لیبرال فمینیسم، ناکارآمدی در بعد نقش جنسیتی با مفهومی چون «غلبه آیین زنانه» توضیح می‌یابد [۸، ص ۴۶-۴۸]؛ آیینی که براساس آن زنان خود را وقف کارهای خانگی می‌کنند. غلبه آیین زنانه به ناکارآمدی تعاملات زناشویی منجر شده و زمینه‌ای برای ازدواج موقت فراهم می‌آورد. مثلاً مورد شماره ۲۴ (۴۰ ساله)، که خود ازدواج موقت را تجربه کرده، در مورد علت ازدواج موقت یکی از اطرافیان خود (که مردی متأهل است) می‌گوید:

تقصیر خانمش هم هست. مثلاً اون روز به خانمش زنگ زد که می‌خواهیم باهم شام بریم بیرون. خانمش گفت برای چی من پیام! خودتون برید دیگه. من کارهام مونده، باید به درس بچه‌ها برسم و از این حرف‌ها. ببین! زنش هم باهاش همراه نیست (تلاش صرف زن دائم برای کار خانگی و فرزند/ آیین زنانه زن دائم/ ناکارآمدی در بعد نقش جنسیتی).

در بعد جنسی، ناکارآمدی به دو گونه جلوه می‌کند؛ تولید نسل و روابط جنسی. حال اگر در خانواده دائم این کنش صورت نپذیرد، به اعتقاد برخی مشارکت‌کنندگان، ازدواج موقت می‌تواند این امر را میسر کند. انفعال جنسی زن دائم و به تبع آن، عدم ارضای جنسی مرد هم عامل

مؤثر دیگر ارزیابی شده است. این در حالی است که برخی صاحب‌نظران معتقدند زن از لحاظ گزینه نیرویی بالاتر از مرد دارد [۲۳، ص ۱۸۰].

به نظر مشارکت‌کنندگان، بدخلقی زن دائم و نقصان عاطفی برای مرد، مصداق دیگری از ناکارآمدی تعاملات زناشویی بوده و می‌تواند زمینه‌ساز ازدواج موقت مرد شود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۶، ۳۶ ساله، با تحصیلات زیر دیپلم که اکنون در عقد موقت به‌سر می‌برد، درباره پیشنهاد جدید عقد موقت با مردی دیگر و علت آن این‌گونه می‌گوید:

می‌گه ... خانمم بهم محبت اصلاً نمی‌کنه (خلاً عاطفی مرد در زندگی دائم)... این دوست داره زنش بگه و بخنده و شوخی کنه، زنش این‌جوری باهاش نیست. خیلی سنگین تا می‌کنه باهاش (ناکارآمدی تعاملات زناشویی دائم در بعد عاطفی).

فراهم‌نبودن موقعیت ازدواج دائم: براساس ازدواج همگون، همه نظام‌های همسرگزینی به ازدواج همسان تمایل دارند و این خود نتیجه تمایل به معامله‌گری است؛ یعنی معمولاً با توجه به انواع مشخصات، اشخاص همسان با یکدیگر ازدواج می‌کنند [۱۸، ص ۹۹]. از منظر سوزده‌ها، ناهمگونی در شرایط سنی و خانوادگی موقعیت ازدواج دائم را برای افراد از بین برده و آنان را به نکاح متعه سوق می‌دهد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۲، ۴۳ ساله، شاغل که خود ازدواج موقت را تجربه نکرده است، می‌گوید:

مثلاً [کسی که ازدواج موقت می‌کنه] که شرایط دائم رو نداره و سن و سالش طوری نیست که امکان ازدواج دائم رو داشته باشه (فراهم نشدن موقعیت ازدواج دائم).

فرار از تعهدات ازدواج دائم: در درک مصاحبه‌شوندگان، تعهداتی که ازدواج دائم بر زوجین تحمیل می‌کند می‌تواند آنان را از این ازدواج دور کند و به سمت ازدواج موقت، که تعهدات انعطاف‌پذیرتری دارد، سوق دهد. به عبارتی، زوجین درصدد اجتناب از عمل به تعهدات مورد انتظار از نقش زن دائم (مانند ارائه خدمات خانگی که در عرف از وی انتظار می‌رود) و مرد دائم (مانند تعهدات مالی نفقه و ارث که بر اثر ازدواج دائم به مردان تحمیل می‌شود) به کنش ازدواج موقت مبادرت می‌ورزند. مصاحبه‌شونده شماره ۲۴، ۴۰ ساله و شاغل که در عقد موقت به سر می‌برد، می‌گوید:

ازدواج موقت [مکث] یه کم از دغدغه‌های زندگی کمتره. فکر و خیالت وقتی زن خونه هستی [ازدواج دائم] رفت و روب، رفت‌وآمد، شست‌وشو شوهرداری، این‌ها یه مسئولیت گردننه... ازدواج موقت [این] دغدغه‌ها رو نداره. من وظیفه خودم نمی‌دونم بچه‌داری بکنم... با خواهرشوهر سر و کله بزنم (رهایی از تعهدات زندگی دائم).

زمینه‌سازی برای ازدواج دائم: یافته‌ها نشان می‌دهد، برخی مشارکت‌کنندگان ازدواج موقت را عاملی زمینه‌ساز برای ازدواج دائم می‌پندارند. در ازدواج موقت، زندگی مشترک دو جنس

برای مدتی بدون تشریفات انعقاد و انحلال (موجود در ازدواج دائم) شکل می‌گیرد. این امر، ضمن ایجاد افزایش شناخت در ابعاد جنسی و غیرجنسی، به ازدواج دائم همگون‌یاری می‌رساند. بنابر اظهارات صاحب‌نظران نیز، نکاح منقطع بازدارنده‌ای برای ازدواج دائم در شرایط نامناسب است [۱۰، ص ۶۲-۶۳]. این مهم، از طریق شکلی از ازدواج موقت، که می‌توان آن را ازدواج موقت آزمایشی همراه با سکونت مشترک نام نهاد، میسر می‌شود. مصاحبه‌شونده شماره ۱۵، ۲۴ ساله و دارای تجربه ازدواج موقت، می‌گوید:

[به جز مورد قبلی که گفتم] من گفتم چون تفاوت سنی مون بالاست و من هم اصلاً آمادگی دائم رو ندارم، یه سال، دو سال موقت باشیم تا ببینم چی می‌شه. باز هم قول نمی‌دم (سنجیدن امکان و زمینه‌سازی ازدواج دائم).

تنوع‌طلبی - سیالیت: تنوع‌طلبی که میل به تجدید و پویایی را به‌منزله شرطی برای نکاح منقطع دربر دارد، نمایانگر سیالیتی است که از دید مشارکت‌کنندگان افراد را به سمت ازدواج موقت سوق می‌دهد. تنوع‌طلبی و سیالیت به لحاظ جسمانی زمینه‌ای برای ازدواج موقت فراهم می‌آورد. بر این اساس، سوژه‌های پژوهش معتقدند زنانی که به ازدواج موقت گرایش ذهنی دارند، یا به آن مبادرت می‌ورزند، صرفاً به بعد جنسی بدن توجه می‌کنند؛ درحالی‌که مردان به زیبایی بدن نیز توجه دارند. همان‌طور که گیدنز در تجدید و تشخیص می‌گوید، در دنیای جدید، رابطه ما با بدنمان رابطه فعالی شده است. درواقع فرد مدرن بدن آگاه شده است. بدن آگاهی موقعیت‌های متفاوتی برای بدن افراد ایجاد می‌کند؛ مثلاً بدن به‌مثابه ابژه زیبایی‌شناختی اهمیت اجتماعی پیچیده‌ای پیدا می‌کند، یا به‌مثابه ابژه اقتصادی یا ابژه جنسی [۱۴، ص ۱۷۰-۱۷۱]. مصاحبه‌شونده ۱۶، ۳۶ ساله، که خود ازدواج موقت را تجربه کرده است، در این مورد، این‌گونه می‌گوید:

زن‌هایی [صیغه می‌کنن] که شاید زود از یکی سیر می‌شن و می‌خوان برن پیش یکی دیگه (تنوع‌طلبی زنان).
مورد شماره ۲۰، متأهل و ۴۴ ساله، نیز می‌گوید:

زن‌هایی [ازدواج موقت می‌کنن] که دنبال به‌روز بودن و ماهواره و این‌ها... اگر هم زن‌هایی باشن که دنبال ازدواج موقت‌ان، این جور آدم‌ها... کسایی می‌تونن ازدواج موقت کنن که خیلی دنبال اون مسائل جنسی هستن (تنوع‌طلبی جنسی).

از نظر سوژه‌های پژوهش، بعد دیگر تنوع‌طلبی - سیالیت، بعد عاطفی است. این مشارکت‌کنندگان عشق را به‌منزله عاملی برای ازدواج موقت دانسته و نکاح متعه را به‌منزله پیوندی عاطفی می‌پندارند. این تم اغلب از سوی سوژه‌های دارای تجربه ازدواج موقت بیان شده است؛ سوژه‌هایی که در ازدواج موقت به «فردگرایی عاطفی» معتقدند که به‌منزله اساس پیوند

ازدواج تعریف می‌شود [۱۹، ص ۷۹۳]. اما از دید کسانی که تجربه ازدواج موقت را ندارند، لازمه این ازدواج حفظ فاصله عاطفی و توانایی برقراری «روابط جیب‌بلوزی» است. مورد شماره ۱۴، مطلقه و شاغل از جمله دلایل عدم مبادرت به این ازدواج را همین امر دانسته و این‌گونه ادامه می‌دهد:

می‌تونه گزینه مناسبی باشه، ولی به شرط اینکه عاقلانه وارد بشن که ضربه نخورن. دیگه تو ازدواج موقت آدم باید احساس رو کنار بذاره... می‌بینم که امکان داره برای من هم این مشکلات پیش بیاد، پس ترجیح می‌دم که اصلاً واردش [ازدواج موقت] نشم (سیالیت عاطفی و لزوم توجه زن به پوچی تعهد در بلندمدت).

رجحان نسبی ازدواج موقت به رابطه خارج از چارچوب: سوژه‌ها معتقدند در مقایسه‌ای که بین ازدواج موقت و روابط آزاد صورت می‌پذیرد، کنشگران با در نظر گرفتن امنیت، تعهد، و منزلت نسبی نکاح منقطع، در مقایسه با روابط خارج از چارچوب، به اجبار ازدواج موقت می‌کنند. این انتخاب اضطراری در مورد هم‌خانگی در ایالات متحده هم گزارش شده است؛ به گونه‌ای که آن را اغلب تصمیمی اختیاری و انتخابی ندانسته‌اند. به عبارتی، زوجها بین هم‌خانگی و ازدواج انتخاب نمی‌کنند، بلکه بین مجردماندن یا هم‌خانه‌شدن دست به انتخاب می‌زنند [۲۹، ص ۹۸۹]. مورد شماره ۴، ۴۶ ساله و متأهل می‌گوید:

ازدواج موقت، برای اون‌هایی خوبه که خیلی تنوع‌طلبان و جلوگیری می‌کنه از همین فساد که همین‌جوری هرزگی و لابلایی‌گر... هرکس با هرکس دوست شه. به‌رحال در مقایسه با لابلایی‌گری باز یه تعهدی، یه چیز قانونی‌ای، شرعی‌ای پشتش هست (تعهد نسبی و رجحان نسبت به روابط خارج از چارچوب).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه خانواده قدیمی‌ترین و ماندگارترین نهاد بشری است، می‌توان نتیجه گرفت اصل زوجیت برای بشر همواره حائز اهمیت بوده است. این اهمیت تا حدی است که بسیاری از متفکران و اندیشمندان بر این باورند که میل به ازدواج و زوجیت برای بشر امری تکوینی بوده و با خلقت انسان در وی به ودیعه نهاده شده است. اما اشکال و انواع ازدواج بیشتر تابع هنجارهای فرهنگی، اجتماعی، و دینی بوده و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تنوع می‌یابند. بنابر تأکیدات دین مبین اسلام، ازدواج دائم همواره توصیه شده و مورد تشویق قرار گرفته است. این تشویق و توصیه به حدی است که عملی کردن آن معادل به اتمام‌رساندن نیمی از دین تلقی می‌شود. در کنار ازدواج دائم، بحث ازدواج موقت نیز، به‌منزله یکی از دو شکل ازدواج مشروع، مورد پذیرش قرار گرفته است و در شرایط خاصی توصیه می‌شود. هرچند در برخی کشورهای اسلامی ازدواج موقت امری رایج است، در ایران همواره چالش‌برانگیز بوده و بحث‌های جدلی بسیاری را خلق کرده است. به‌طوری‌که عده‌ای با موضعی دافعانه ازدواج موقت را شیوه‌ای برای هوسرانی و

تنوع‌طلبی تلقی کرده و عده‌ای دیگر با تکیه بر مبانی دینی سعی کرده‌اند از آن دفاع کنند. اما همواره در مقابل این نوع از ازدواج مقاومت‌هایی از سوی خانواده‌ها وجود داشته و بحث ازدواج موقت چندان با اقبال مواجه نیست. این نوشتار در پی آن بوده است که درک و تصور زنان به این موضوع را واکاوی کند. شایان ذکر است که زنان با توجه به شأن طبقاتی، تحصیلی، وضعیت تأهل، و داشتن یا نداشتن تجربه ازدواج موقت، تصویرهای متفاوتی درباره ازدواج موقت ارائه می‌دهند. جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی در تحقیق حاضر بیانگر آن است که زنان مطالعه‌شده فاقد یک رویکرد منسجم و یک‌پارچه راجع به ازدواج موقت بوده و نگاه دوگانه‌ای به آن دارند. عده‌ای ازدواج موقت را امری کارکردی و ضروری دانسته و عده‌ای دیگر بر این باورند که ازدواج موقت فرصتی برای پیگیری تنوع‌طلبی و ارضای تمایلات جنسی فراهم می‌کند. دسته‌ای که ازدواج موقت را امری کارکردی می‌دانند به عوامل مهمی چون احساس نیاز اقتصادی، نیاز به عشق و تعلق، نیاز فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به توجه و احترام، رغبت‌نداشتن به ازدواج دائم و فرار از تعهدات آن، فراهم‌نبودن موقعیت ازدواج دائم، زمینه‌سازی برای ازدواج دائم، رجحان نسبی ازدواج موقت به رابطه خارج از چارچوب، و جبران ناکارآمدی‌های خانواده دائم اشاره دارند. این عده معتقدند در شرایطی که تشکیل خانواده به صورت دائم با مشکلات خاصی روبه‌رو است، ازدواج موقت به‌منزله راهکاری منعطف می‌تواند پاسخگوی اضطراب‌های روانی و اجتماعی افراد شود. اما دسته دوم، که با نگاهی پروبلماتیک به ازدواج موقت می‌نگرند، آن را تهدیدی برای ارکان خانواده پایدار می‌دانند و معتقدند که ازدواج موقت می‌تواند شکل‌گیری خانواده پایدار را به تعویق اندازد و شانس ازدواج دائم را از افراد سلب کند. این امر می‌تواند به یک سبک زندگی خاص مبنی بر شلختگی رفتاری، تنوع‌طلبی، و سیالیت دامن زند. به علاوه، فشارهای اجتماعی، تسهیل دینی، و فشار فرهنگی نیز از جمله زمینه‌سازهای ازدواج موقت پنداشته شده‌اند. نکته دیگر اینکه از میان نیازهای اساسی، نیاز اقتصادی هرچند درصدر زمینه‌های ازدواج موقت ذکر شده، این نیاز اغلب از سوی زنانی که فاقد تجربه ازدواج موقت‌اند مهم تلقی شده است. در میان زنانی که متعه را تجربه کرده‌اند نیز، نیاز به عشق و تعلق و ایمنی، بیش از سایر انواع نیازهای اساسی، مورد توجه قرار گرفته است.

خلاصه آنکه، عوامل و زمینه‌های متعدد شکل‌گیری ازدواج موقت، آن‌گاه که در کنار شرایط پیچیده و حتی‌التقاطی (دینی- مدرن) جامعه ایران قرار می‌گیرد، تحلیل و فهم این حکم دینی را دچار پیچیدگی دوچندان می‌کند که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت یا دست به تعمیم‌ها و ساده‌سازی‌های ناروا زد. ازدواج موقت در ذهنیت مصاحبه‌شوندگان وجوه فرهنگی، اقتصادی، و اجتماعی آشکار دارد، هرچند فهمی که از این وجوه وجود دارد گهگاه تناقضات آشکاری با یکدیگر داشته باشد و صد البته اگرچه این فهم با آن معنایی که شارع مقدس مدنظر داشتند و مورد وفاق عموم مفسران است تطابق نداشته باشد. چنین شرایطی ایجاب می‌کند که

ضمن بررسی جامعه‌شناختی مکرر این پدیده از منظری کیفی و کمی، طی تعامل با عالمان دینی، به تفسیر و تحلیل این پدیده پرداخته شود.

منابع

- [۱] آذرکمان، زهره (۱۳۸۶). «بررسی آسیب‌های اجتماعی ازدواج موقت در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۲] استراوس، انسلم ال؛ کربین، جولیت (۱۳۹۰). *میانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۳] اسکیدمور، ویلیام (۱۳۷۲). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد حاضری و دیگران، تهران: سفیر.
- [۴] ایمانی‌راد، لیلا؛ وزیری‌فرد، محمدجواد (۱۳۸۸). «ماهیت متعه زن»، *بانوان شیعه*، بهار، ش ۱۹: ص ۱۸۷-۲۲۴.
- [۵] باومن، زیگمونت (۱۳۸۴). *عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی*، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- [۶] بار، لوک؛ دزیل، ژوزه؛ لامارش، لوک (۱۳۸۷). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه حمزه گنجی. چ ۶، ساوالان.
- [۷] پریشی، معصومه (۱۳۸۷). «زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج موقت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۸] تانگ، رزمی (۱۳۸۷). *نقد و نظر: درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی، تهران: نی.
- [۹] توسلی، غلامعباس (۱۳۸۷). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، چ ۱۴، تهران: سمت.
- [۱۰] جزایری، محمد (۱۳۸۱). *ازدواج موقت (و گذر از بحران)*، تهران: قادر.
- [۱۱] حائری، شهلا (۲۰۱۰). *المتعه الزوج الموقت عند الشیعه حاله ایران (۱۹۷۸-۱۹۸۲)*، ترجمه فادی حمود، الطبعة الثالثة عشرة، بیروت: شركة المطبوعات للتوزيع والنشر.
- [۱۲] حجتی، احمد (۱۳۷۰). *در مسیر زندگی با ازدواج دائم یا موقت؟*، قم: ناشر مؤلف.
- [۱۳] رافعی، طلعت (۱۳۸۲). *تحلیلی بر روانشناسی زن در ازدواج موقت*، تهران: دانژه.
- [۱۴] سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۷۸). «بدن و فرهنگ مصرفی»، در: *مطالعات فرهنگی*، مصرف فرهنگی، و زندگی روزمره در ایران، گردآورنده عباس کاظمی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- [۱۵] صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۹۰). *جزوه روش تحقیق کیفی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

- [۱۶] فلیک، اووه (۱۳۹۰). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جیلی، چ ۳، تهران: نی.
- [۱۷] قانون حمایت خانواده، مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱.
- [۱۸] گود، ویلیام جی (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*، ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- [۱۹] گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چ ۱۱، تهران: نی.
- [۲۰] محقق دایکندی، محمداکبر (۱۳۸۶). «ازدواج موقت در قرآن کریم»، *ماهنامه سفیر*، بهار، ش ۱، ص ۱۵۷-۲۰۲.
- [۲۱] مزلو، ابراهام اچ (۱۳۷۲). *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، چ ۳، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد.
- [۲۲] موسوی، سید حجت (۱۳۸۵). «ازدواج موقت، حکمت‌ها، و ضرورت‌ها»، *دوماهنامه مبلغان*، آذر و دی، ش ۸۵، ص ۳۸-۵۲.
- [۲۳] مورالی‌دانیو، آندره (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، تهران: توس.
- [۲۴] میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹). «مرزشناسی در ازدواج موقت (قسمت اول)»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)*، پاییز، ش ۹، ص ۷-۲۶.
- [۲۵] میرخانی، عزت‌السادات (۱۳۷۹). «مرزشناسی در ازدواج موقت (قسمت دوم)»، *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)*، زمستان، ش ۱۰، ص ۶-۲۳.
- [۲۶] وکیلی، شروین (۱۳۸۳). «دگردیسی صمیمیت»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، اسفند، ش ۸۹، ص ۷۱-۷۵.
- [27] Corbetta, Piergiorgio (2003). *Social Research: Theory, Method and Techniques*. Translated by Bernard Patrick. London: SAGE Publications.
- [28] Haeri Sh. (1992). *Temporary Marriage and the State in Iran: An Islamic Discourse on Female Sexuality*, *Social Research*, Vol 59, No 1, pp 201-223.
- [29] Manning W D.; Smock P J. (2005). *Measuring and Modeling Cohabitation: New Perspectives from Qualitative Data*, *Journal of Marriage and Family*, pp 989-1002.
- [30] Nagar R. (2000). *Religion, Race, and the Debate over Mut'a in Dar es Salaam*. *Feminist Studies*. 26, no 3. pp 661-690.